

سئوالات قضائی

(۱)

شخصی باتهام ایراد ضرب از دیگری بشهربانی شکایت کرده . و پرونده بدادسرا رسیده است قبل از اینکه بشاکی تکلیف سازشی شود فوت می کند در این مورد رعایت ماده ۶۶ چه صورتی پیدا میکند و آیا این حق قابل انتقال یورات هست ؟

(۲)

محمد علی رحیمی مدیر دفتر دادگاه بخش کازرون

۱- طبق ماده ۲۲ اصلاحی قانون تشکیلات دادگستری در دادگاههای بخش که اجازه رسیدگی بامور جنحه را نیز دارند دادرس علی البدل زدر غیبت ایشان مدیر دفتر دادگاه بجانشینی دادستان انجام وظیفه خواهند نمود در این صورت چنانچه در یک پرونده رئیس دادگاه قبلا بجانشینی بازپرس رسیدگی نموده و یا علی الاصول پرونده را ابتداء بساکن بدادرس علی البدل رجوع نماید بدون اینکه در صلاحیت رئیس دادگاه ایرادی باشد آیا دادرس علی البدل میتواند بست ریاست دادگاه جنحه دادگاهرا تشکیل داده و مدیر دفتر هم بجانشینی دادستان بیان عقیده نماید یا خیر .

۲- در سایر موارد جزائی که آقای رئیس دادگاه بجانشینی بازپرس مشغول رسیدگی هستند میتوانند برای جلب گواه موافقت دادرس علی البدل یا مدیر دفتر را که در امور جنحه جانشین دادستان هستند کسب نماید یا خیر در صورتیکه در ماده ۲۲ تصریح شده که داشتن سمت جانشینی دادستان برای دادرس علی البدل و یا مدیر دفتر در مورد امور جنحه است که در همان دادگاه رسیدگی خواهد شد بدیهی است رئیس دادگاه جنحه هم بوجوب اختیار حاصله در ماده ۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری میتوانند گواه را جلب نمایند و احتیاجی به جلب موافقت دادستان ندارد .

(۳)

از زابل بامضاء ناخوانا

۱ - عریضه ای بدادستان میرسد - مآکی از اینکه شخصی ملک شاکي را عدوانا تصرف کرده است و مزاحم استفاده او از حق خود میباشد . تاریخ تصرف هم از يك ماه تجاوز نمی کند . آیا دادستان بایستی روی این عریضه که نه تبر دارد و نه بر روی اوراق رسمی نوشته شده و نه دلائل و مدارك پیوست آن است چه اقدامی بکند و آیا بطور کلی در امور مربوط بتصرف و رفع مزاحمت احتیاج بتقدیم دادخواست رسمی و رعایت تشریفات معمولی از قبیل ابلاغ و نوشتن دادخواست بدعی علیه میباشد و یا دادستان وضابطین دادگستری مکلف هستند که بعضی اعلام وارد رسیدگی شده و دلائل را جمع آوری نمایند و نظریه بدهند .

۲ - پسری ۱۶ ساله با دختری ۱۲ ساله بطور غیر قانونی ازدواج میکنند و چون نکاح از نظر قانون وقتی محقق میشود که رعایت سن شده باشد حال اگر کسی با دختر بعنف مرتکب عمل منافی عفت شود قانوناً حقی برای پسر که شرعاً شوهر محسوب میشود ایجاد خواهد شد و آیا حق تعقیب دعوی با شوهر و ولی اوست یا با ولی دختر .

۳ - آیا افسران شهربانی در غیر موقع خدمت خود اگر توهینی با افسران نظامی مافوق وارد آوردند و یا از روی تبه و تصمیم آنها ارتکاب کردند و این توهین و ایراد ضرب نه در حین خدمت و نه بسبب آن باشد نظامی شناخته میشوند و عمل آنها بر مواد ۳۳۲ و ۳۳۴ قانون دادرسی ارتش میباشد یا ۱۲۳ قانون مجازات عمومی و بطور کلی آیا میتوان افسران شهربانی را در زمره « نظامیان » مذکور در قانون دادرسی ارتش دانست یا خیر .

۴ - بالاخره با اینکه بارها این سؤال مطرح شده است رویه عمومی در خصوص کسانی که با اتهام قاچاق محکوم به پرداخت جریمه میشوند چیست و آیا جیس آنها بزودی ده ریال یا پنجاه ریال قابل تبدیل خواهد بود .

جواب های قضائی

پیشوائی دادستان ملایر

(۱)

جواب بد و سؤال آقایان حجازی و آصف وزیری - چون بموجب اصول ۱۷ و ۲۱ قانون اساسی و اصل ۲۷ متمم آن نسخ و تهذیب قوانین موضوعه از مختصات مجلسین است در هر مورد که بملت تعارض قانون عادی با مقررات قانون اساسی یا بعلل دیگر اقدام بنسخ قانون ضرورت یابد مجلس شورای ملی با تصویب مجلس سنا و توشیح ملوکانه با آوردن قانون لاحق قانون سابق را نسخ مینماید اعطاء و تفویض این اختیار بهیئت و یا اعضاء خاصی از طرف قوه مقننه و اعضاء مجلسین سنا و شورای ملی بنظر خارج از حیطه اختیار و قدرت قانون نمایندگان مجلسین است زیرا نسخ قوانین از حیث ماهیت و تاثیر ذاتی آن فرقی با وضع قانون جدید ندارد چه نسخ قانون امر بدم اجرا مقررات موضوعه سابق است و این اصل آمره در وضع جدید قوانین نیز موجود و ملحوظ است چنانکه در کلیه مواد قوانین کفیری امر بخود داری و عدم ارتکاب جرائم (یعنی اعمالی که قانون مجازاتی برای آن قائل شده) موجود و مستقر میباشد لذا اقدام باین عمل (اعطاء حق نسخ قوانین بهیئت معین) تعیین مرجع دیگری غیر از مجلسین برای نسخ قوانین است که بالنتیجه مخالف اصول قانون اساسی خواهد بود - بهمین جهت بمقیده اینجانب اختیاری که اخیراً مجلس شورای ملی ایران به کمیسیون دادگستری از حیث وضع و تصویب قوانین (بدون طرح در جلسه علنی) داده مخالف قانون اساسی و تشریفات قانون گذاری است زیرا اعطاء این حق بکمیسیون مذکور نسبت بوضع نوع قوانین (بدون تصریح بقانون مخصوصی که قبلاً مورد نظر و اطلاع عموم نمایندگان واقع شده باشد در حقیقت تعیین مرجع دیگری برای وضع قانون است و این عمل بر حسب استدلال هم تصویب ضمنی از طرف مجلس شورای ملی شناخته میشود زیرا اگر نمایندگان تصویب قانون خاصی را باین کمیسیون (که از چند نفر نماینده تشکیل شده) رجاع می گردند محتملات تصویب ضمنی حاصل میشود حال آنکه در وضع فعلی موضوعات مبتکر آدر این کمیسیون مطرح میگردد که مقننه یعنی اجتماع نمایندگان مجلس شورای ملی در موقع تفویض اختیار بکمیسیون از آن بکلی بی اطلاع و نسبت بآن بهیچوجه شور و مذاقه بعمل نیآورده اند نتیجه - آنکه تعیین هیئتی برای اعلام نسخ قوانین معارض با قانون اساسی بنظر مجلس موسسان موکول خواهد بود .

۲ - باتوجه باینکه ماده ۲۷۲ قانون مجازات عمومی قبل از تصویب

ماده ۱۷۵ مکرر آن قانون بتصویب رسیده اصولا نباید انتظار داشت که ماده ۲۷۷ بماده اخیرا لذکر و قابل گذشت بودن یا نبودن آن تعرض داشته باشد ولی بهرحال چون توقیف مجازات هیچ جرمی بدون اجازه حاصله از قانون امکان پذیر نیست فعلا که اصل ماده ۱۷۵ مکرر و همچنین ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی آنرا قابل گذشت ندانسته اند لذا قابل گذشت شناخته میشود و وجود شباهت از حیث مجازات میان مادیتین مزبور (درموارد ایرادضرب) موجب انتقال و تسری تمام شرائط و خصوصیات وجودی آنها بر یکدیگر نخواهد شد .

(۴)

حجازی و کیل پایه يك داد گستری

جواب سئوال قضائی آقای هادی طبیب زاده باز پرس ۲ همدان در شماره ۱۶ و ۱۷

۱ عبارت ماده ۱۶۹ در زمینه اختیار دادستان تهران بتقاضای تبدیل تامین کلی بوده و مقید به وضع و کیفیت خاصی نیست طبق ماده ۱۶۹ دادستان شهرستان میتواند هر موقع که علل وجهاتی موجب تخفیف یا تشدید تامین گردد از باز پرس یا دادگاه بخواهد اعم از اینکه قبل از جلب بمحاکمه یا پس از آن باشد . بدینجهت در مثال مورد بحث هم دادستان حق دارد این اختیار را اعمال نموده و از باز پرس تغییر تامین را بخواهد .

۲ -- مرجع رسیدگی بتخلفات اعضاء محکمه انتظامی هم همان محکمه انتظامی میباشد زیرا .

طبق قانون تشکیلات دادگاه انتظامی مقام صلاحیت دار رسیدگی به تخلفات کلیه کارمندان قضائی دستگاه ممدلت در حدود صلاحیت خود میباشد و استثنائی ندارد .

و البته دادگاه انتظامی در موقع رسیدگی به پرونده عضو متخلف بدون شرکت آن عضو رسیدگی خواهد نمود .

ولی در مورد مثال که عدم رسیدگی دادگاه انتظامی به بعضی از موارد ادانامه صادره بر علیه باز پرس آبادان است تخلف تلقی نمیشود زیرا در اختیارات دادگاه انتظامی باخذ تصمیم در هر مورد و موضوع لازم نمیباشد خاصه در صورتیکه

ادعانامه ظاهرا شامل بر عناوین و موضوعات مختلفه ولی در معنی موضوع

(۳)

واحد باشد -

ناصرمهران - دادیار دادرسی ملایر

جواب سؤال قضائی آقای طبیب زاده باز پرس ۲ همدان (در شماره ۱۶ و ۱۷)
 ۱ - با توجه بقسمت اول ماده ۱۶۹ آئین دادرسی کیفری که میگوید
 (مدعی الموم درحینى که حکم منع یا جلب بحاکمه رامیدهد ... الخ) و بلافاصله
 پس از خاتمه این جمله اضافه میکند (و نیز میتواند در موقعیکه ادعانامه تنظیم
 کرده ...) و تلفیق این دو قسمت معلوم میشود که حکم قضیه مورد نظرهای
 باز پرسى همدان را بهمان دو قسمت اول ماده ۱۶۹ داده شده است و بمبارت دیگر چون
 در قسمت دوم ماده نتیجتاً پس از تنظیم ادعانامه مذکور افتاده بنا بر این مفهوم
 قسمت اول قبل از صدور ادعانامه است ، بناء علیهذا در این مورد دادستان میتواند
 بتامین ماخوزه از باز پرس بطور کلی تقاضای تشدید و یا تخفیف نماید .

در قسمت دوم

البته قاضی متخلف علی الاصول در موقع طرح دعوی در محکمه انتظامی
 بنام دادن رای و یا هراقدام قانونی دیگری مداخله نخواهد کرد لیکن رسیدگی
 بتخلف او نیز مانند سایر قضات در صلاحیت همان محکمه انتظامی خواهد بود .

تصمیمات قضائی

(۹)

کسی باتهام مال غیر تحت تعقیب دادرسی شهرستان درآمده و در دادگاه جنحه
 غیایا به شش ماه حبس تادیبی و پرداخت دو هزار ریال جزای نقدی محکوم میشود
 بر اثر واخواهی متهم همان دادگاه حکم بدوی را گسیخته و متهم را از بزه
 انتسابی تبرئه مینماید دادرسی شهرستان از حکم تبرئه متهم پژوهش خواسته و
 دادگاه استان پس از رسیدگی متهم را باستناد ماده ۲۵۷ قانون مدنی و رعایت
 ماده ۴۵ همان قانون بسه ماه حبس تادیبی و پرداخت هزار ریال جزای نقدی
 محکوم کرده است - بر اثر فرجام خواستن محکوم به شعبه ۲ دیوان کشور پس